

<http://www.Yashilmisho.com>

Email: Info@Yashilmisho.com

Print: 1400/06/31



تاریخچه

شبستر در بستر تاریخ

تاریخ کهن ایران و شرایط مساعد آن برای رشد و پرورش تمدنهای باستانی حقیقتی است جاری در تمامی کتب از مسند قدیم که توسط ایرانیان بصورت اندک و خارجی بصورت گسترده بدان پرداخته شده است. ظهور و سقوط امپراطوری های جهان و لشکر کشی های متعدد شاهان ایرانی به اقصی نقاط جهان از این کشور ذهنیتی متخاصم و در دیدی سیاسی حکومتی فعال و جستجوگر ارائه داده است.

آذربایجان از دیر باز قطب بزرگ سیاسی و جغرافیایی و مذهبی فلات ایران محسوب می گردد. شکل گیری اولین حکومت متمرکز و توانمند در آذربایجان بنام حکومت ماد و تشکیل یکی از بزرگترین آتشکده های بزرگ زرتشتی در آن و همچنین بستر و خیزشگاه دین زرتشتی در آن، از این منطقه جایگاهی استراتژیکی و قابل تعمق ساخته است. در تاریخ معاصر نیز بی شک آذربایجان یکی از عمده ترین مناطقی است که نقش اساسی در موارد سیاسی و تغییر نظامهای حکومتی داشته است. اوضاع جغرافیایی منحصر به فرد آذربایجان از دیدگاههای مختلف از این منطقه، هر صاحب نظری را بر آن می دارد، استعدادهای بالقوه انسانی، زمینهای بکر و حاصل خیز، منابع زیرزمینی و کوههای سریع فلک کشیده و زیبایی آن و همچنین امکانات گردشگری و توریستی را جدی گرفته در آن همتی بلند و عظمتی جزم رومی طلبد تا به شکوفایی روزافزون آن اقدام شود. سارگن روم (یکی از قدرتمندترین شاهان دولت آشور) بعد از تسخیر و تخریب دژها و آبادیهای تبریز و حواشی آن از طریق اروئق و انزاب به دره حاصلخیز رودخانه زولا و دشت سلماس کنونی که در آن زمان بخش غربی ایالت سورا توپسانکی بود تو را تشکیل میداد سرازیر شد. آشوریان همچون طوفان و سیل ریختند و همه چیز را که بر سر راهشان بود با خاک یکسان کردند. در هر صورت ارتش سارگون از طریق محال گوتی دامنه جنوبی کوه میشو که آفتابگیر است، به سلماس رفته است. مدرک تاریخی مذکور نشان می دهد که سرزمین اروئق و انزاب (شبستر) قبل از تشکیل دولت ماد، در آذربایجان مسکون و آباد بوده است. به دولتهای ماناخا و لورار تو (ساکنان بومی قبل از مهاجرت آریاییها به مناطق هندی و ایران) تعلق داشته است. تپه های خاکستری حسنلو در روستای دیزج خلیل و کول تپه در روستای قره تپه و همچنین آثار باقی مانده از عصر قدیم که جدیداً در سیس کشف شده است، همه مؤید دورانهای تاریخی بسیار دور است. (به جهت اطلاعات بیشتر به کتابهای تاریخ ماد نوشته دیاکونوف روسی مراجعه شود)

سفیرانی که در ادوار مختلف تاریخی به ایران سفر کرده و از راه تبریز طرا بزبان عبور نموده اند از روستاهای مهم این منطقه در سفرنامه های خود نام برده اند. کلاویو خوسفیر اسپانیا که در ۱۴۰۳ میلادی به دربار امیر تیمور اعزام گردیده در سفرنامه خود می نویسد: دوشنبه به هنگام ظهر به شهری زیبا و پر جمعیتی رسیدیم بنام طسوج که در دشتی واقع است که گرداگرد آنرا بیشه های بسیاری گرفته است و بانهرهای بیشماری سیراب می شود. این نهر هادر کنار دریاچه ارومیه واقع می باشد و محیط آن یک میل است. در این دریاچه سه جزیره مسکونی وجود دارد، همچنان برانندیم و شب رادر کوزه کنان که سابقاً محل بزرگی بوده. فعلاً بیشتر قسمتهای آن ویران شده است، خوابیدیم. گویند باعث این ویرانی امپراطور ظفتمش خان بود که از امیر تیمور شکست خورد و از قدرت افتاد. در کوزه کنان بسیاری از ارمنیان را دیدیم که در آنجا مسکن داشتند. فردای آنروز که سه شنبه بود به دهی رسیدیم بنام چاوسکاد (همان شبستر) که در دشتی واقع است، گرداگرد این ده را بیشه ها، بوستانها و درختان سایه دار با تپه هایی که در آن نهرها و جویبارهای بسیاری جاری است گرفته است. مقدار زیادی میوه از آنجا به تبریز و حتی جاهای دورتر می برند. همان شب در هوای باز خوابیدیم و فردای آنروز راه را از بیشه ها و بوستانهایی که در میان جویهای پر آب جاری است می گذشت.

مسعود کیهان در جغرافیای مفصل ایران آورده است:

چون کوههای قراجه داغ بسیار مشکل و عبور از آن سخت است، و کوه سهند نیز ناحیه وسیع ما بین مراغه و تبریز را فرا گرفته تنه راهی که بعد خزر را به بعد (سور و قفقاز) را به ایران و عراق متصل می کند باید از تبریز بگذرد. مثلاً راه راه کانرهم قرارداد داده اند. قصر آستارا - اردبیل و تبریز - خوی - ارزروم - طرابوزان - بحر خزر را به دریای سیاه مربوط می کند. راه مذکور همان راهی است که از منطقه شبستر عبور کرده و بقایای کاروانسراهای ادوار گذشته در روستاهای علیشاه دیزج خلیل - شبستر - کوزه کنان و طسوج مؤید این ادعا است. در کتاب شاه جنگ ایرانیان در چالدران آمده است که لشگریان شاه اسماعیل از طریق صوفیان، یام و مرند به طرف خوی حرکت کردند.

در کتاب نذمت القلوب، مستوفی آمده است:

در قدمت تاریخی شبستر همان بس که شیخ محمود شبستری متوفی به سال ۷۲۰ هجری قمری در آن شهر مدفون است و امیر تیمور به سال ۷۷۸ ه. ق بعد از تسخیر تبریز به زیارت قبر آن عارف بزرگ و شایسته آمده و چنانکه خود می گوید: در روزهای آخر جنگ در تبریز، شیخ مسعود نوه شیخ محمود از شبستر نزد من آمد و مثل دیگران شفاعت سکندر تبریز را کرد و از من خواهش نمود بعد از غلبه بر تبریز شهر را مورد قتل عام و تاراج قرار ندهم و چون قسمتی از سکندر شهر یعنی مردم محل شام بر سلطان احمد شوریدند دوره جنگ کوتاه شد، من بعد از اینکه تبریز را گشودم از قتل عام و تاراج مردم صرف نظر کردم. قبل از اینکه وارد آذربایجان شوم، میل داشتم که اگر روزی قدم به آن کشور گذاشتیم به شبستر بروم و بر سر مزار شیخ محمود شبستری فاتحه بخوانم و برای وی طلب آمرزش کنم، چون آن مرد نیکوکار بر گردن من حق دارد، زیر آن از خواندن کتاب او به اسم گلشن راز خیلی چیزها موختم ... شهرستان شبستر

تاعصر قاجاریه جزو املاک قاجاران بوده و بعد از انقراض این سلسله املاک و دارائی شاه در ردیف دولتی درآمد تالینکه در سال ۳۱۱ این ناحیه از عرصع دولت درآمد و به مالکین رقبات (ارثی) انتقال داده است.